

فرهنگ‌یگان



رئیس‌جمهور اج‌رچند، ضمن عرض سلام و تبریک به مناسبت انتخاب جنابعالی به‌عنوان رئیس‌جمهور، به‌عنوان یک استاد دانشگاه، نکاتی را شفقتانه اما صریح باجنابعالی در میان می‌گذارم. امیدوارم در این مسیر خطیر و پر‌مسئولیت، مورد عنایت شما و همکاران‌تان در دولت چهاردهم قرار گیرد. یک بدون تعارف و شعار، رئیس‌جمهور منتخب، ثمره مردم‌سالاری و قانون است و باید رئیس‌جمهور همه مردم ایران باشد نه‌فقط کسانی که به او رای داده‌اند. از این رو، انتظار می‌رود در همین ابتدا، باکنش‌های مناسب از سوی جنابعالی، همه مردم مطمئن شوند که رئیس‌جمهور ایران و دولت او، نه‌فقط حقوق همگان را به یکسان رعایت می‌کند، بلکه به نیازهای تمام مردم بدون هرگونه تبعیضی، پاسخ می‌دهد.

دو. اداره‌کشور نیازمند آرامش است. هم آرامش میان مدیران‌کشور و هم آرامش میان مردم، بنابراین جا دارد ایجاد فضای آرام و به‌دور از جنجال، غوغاگری و تنش، به یکی از اولویت‌های کاری دولت تبدیل شود. لازمه این امر، پی‌ریزی ارتباط و تعامل روشمند و سازنده دولت با دوقوه دیگر با نیروهای مسلح و با همه احزاب است. وقت آن است به‌جای نادیده‌انگاشتن کوچک‌شمردن مخالفان از پشت تریبون‌ها، از روش گفت‌وگوهای جدی و سازنده برای حل اختلافات درکشور استفاده و مصالح عمومی به مصالح گروهی و جناحی‌کامل‌ا ترجیح داده شود. متأسفانه در دوره‌های گوناگون انتخابات ریاست‌جمهوری، کاندیداهای جانبداران آنان ضمن پوشاندن لباس حق و باطل، ملی و ضدملی و حتی ایمان و کفر بر تن مواضع خود، تلاش می‌کنند طرف مقابل خود را باطل، ضدملت یا طرفدار کفر جلوه دهند. این درحالی است که عمده مباحث سیاسی از خصلت مصلحت‌اندیشانه و متغیر برخوردار است و اساسا در ذیل چهارچوب‌های شبه اعتقادی نمی‌گنجد.

سه. آزاداندیشی و نقد، حتی اگر در مواردی تمام‌با برخی تلخ‌کامی‌ها باشد، به سود ملت و دولت است و جا دارد دولت در باز کردن فضا و نشان دادن سعه‌صدر خود، عملاً پیشتاز باشد. در این جهت، برگزاری نشست‌های نقد در حضور رئیس‌جمهور به‌صورت دوره‌فته یک بار در محل نهاد ریاست‌جمهوری با تقسیم نقش میان دانشگاه‌های سراسر کشور و خانه احزاب، یک ایده قابل‌تأمل است. چهار. افراطی‌گری هیچ وجه مثبتی نمی‌تواند داشته باشد، یعنی هر نوع آن چه چپ، چه راست و چه افراطگرایی مذهبی، برای کشور سم مهلک است. مجبورم بگویم که هنر افراطیون به‌ظاهر انقلابی، جبهه‌بندی مردم به اسم حق و باطل و سپس تکفیر و فحاشی و اتهام‌زنی‌های ارزشی است و هنر افراطیون اصلاح‌طلب، دو قطبی‌سازی به اسم استبداد و آزادی و افتادن در آغوش بیگانه به اسم آزادی است. در این جهت، انتظار روشن این است که شخص جنابعالی

دوشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۳
<div><div>۰<div><div>۰۱۵</div></div></div><div></div></div>
شمارهٔ ۴۱۸
<div><div><div><div></div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY.COM</div></div></div></div></div>

ف‌ا‌ر‌خ‌گ‌ا‌ن‌د‌ا‌ی‌

ف‌ا‌ر‌خ‌گ‌ا‌ن‌د‌ا‌ی

ف‌ا‌ر‌خ‌گ‌ا‌ن‌د‌ا‌ی

پایداری دین در عصر بی‌خدایی

رکود سکولاریسم

سجاد عطازاده

شادی حمید، ستون‌نویس و عضو هیات سردبیری نشریه **واشنگتن‌پست** که در سوابق خود سمت متخصص دیپلماتی عمومی در وزارت امور خارجه ایالات متحده را هم دارد، در مقاله «رکود سکولار، پایداری دین در عصر بی‌خدایی» که در نشریه فارن‌آفرز منتشر شده، به طرح گزاره شکست سکولاریسم پرداخته و اظهار داشته است که دین هنوز هم یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل دادن به پویش‌های اجتماعی محسوب می‌شود.

شاید تا همین اواخر به نظر می‌رسید دین در مسیر خروج از صحنه قرار دارد. مطابق با این دیدگاه با ثروتمندتر و تحصیل‌کرده‌تر شدن مردم، انکای آنها به آرامش و معنای ارانه شده از سوی ایمان کمتر می‌شود. این همان اتفاقی است که در بسیاری از کشورهای اروپای غربی رخ داده است؛ جایی که نرخ عضویت در کلیسا در قرن گذشته به‌شدت کاهش یافته است. طبق مطالعه انجام شده از سوی موسسه پیو در سال ۲۰۱۸، تنها ۱۱ درصد از مردم کشورهای اروپای غربی معتقد هستند مذهب بخش بسیار مهمی از زندگی آنها به‌شمار می‌رود. طرفداران نظریه موسوم به نوسازی (مدرنیزاسیون)، دین را سازوکاری دفاعی و حفاظتی در برابر هرچ‌بورج و تخریب می‌دانند و مطابق با دیدگاه آنها ادیان همواره در دنیای ما نیز، منظم‌تر و راحت‌تر، پیروان خود را از دست می‌دهند. روالد اینگلههارت، دانشمند علوم سیاسی در سال ۲۰۰۶ نوشتن دین در حال زوال جهانی است. وی خاطرنشان کرد: «با توسعه جوامع، بقایم‌ن‌تر می‌شود و با بالا رفتن سطح امنیت، مردم کمتر مذهبی می‌شوند.»

اما ناگاهی گسترده‌تر به روندهای دینداری، حاکی از واقعیت پیچیده‌تری است. داستان دین در قرن گذشته حاکی از انقباض نیست، بلکه حکایت رشد و تثبیت مداوم است. این گزاره حداقل ادعای کتاب جدید پل سبیررات، اقتصاددان بریتانیایی است که در کتاب «اقتصاد الهی» خود صرا دارد: «جهان درآستانه‌مورد تسلط قرار گرفتن از سوی چند دین است؛ آن هم به حدی که قبلاً مشاهده نشده است. مهم‌ترین این ادیان در حال گسترش اسلام و مسیحیت هستند که اکنون به ترتیب حدود ۲۶ و ۲۶ میلیارد پیرو دارند. هر دو دین دستاوردهای چشمگیری داشته و مخاطبان و طرفداران جدیدی را در سریع‌ترین جمعیت‌های در حال رشد جهان، به‌ویژه در آفریقا، می‌یابند. برخلاف آنچه نظریه نوسازی و گونه‌های مختلف آن پیش‌بینی کرده‌اند، رفا و رشد اقتصادی دین را از بین نمی‌برد. سبیررات مدعی است در چین احتمالاً «حداقل به اندازه اعضای حزب کمونیست، مسیحیان و مسلمانان فعال وجود دارند.» در هند هم که سریع‌ترین اقتصاد در حال رشد در گروه ۲۰ به‌شمار می‌رود، مذهب نقش مهمی را در زندگی عمومی ایفا می‌کند. البته در ایالات متحده، اعضای کلیسا از سال ۲۰۲۰ پس از اینکه در بیشتر قرن ۲۰ حدود ۷۵ درصد بود، به زیر ۵۰ درصد کاهش یافت. اما طبق نظرسنجی Pew در سال ۲۰۲۳، ۸۸٫۲ درصد از آمریکایی‌ها هنوز هم به خدای کتاب مقدس پایک قدرت‌بتر یا یک نیروی معنوی دیگر اعتقاد دارند.

کسانی که تصور می‌کردند دین بر اثر پیشرفت‌های علمی و رونق تجاری محو می‌شود، درک اشتباهی از ابعاد کامل آن داشتند. نباید دین را تنها یک موضوع اعتقادی شخصی و خصوصی بدانیم؛ زیرا دین یک رویه جمعی هم است که در مراسم عمومی، تجارب مشترک و شکل‌گیری هویت هامت‌عکس می‌شود. دین فقط با حتی در درجه اول، اعتقاد به روشی خاص نیست، بسیاری از کاتولیک‌ها حتی اگر شک دارند که بدن و خون مسیح را دریافت می‌کنند، در مراسم عشاء ربانی شرکت می‌کنند. حداقل براساس برخی بررسی‌ها، تعداد بسیار زیادی از مسیحیان اوانجلیست درباره الوهیت مسیح نامطمئن به نظر می‌رسند؛ باوری که البته یک شرط اعتقادی برای مسیحی بودن به‌شمار می‌رود. اما همان‌طور که سبیررات اشاره می‌کند، معادل اصلی یونانی برای باور، symbolon بود که

و هیات دولت جدید، ضمن دور کردن عناصر افراطی از دولت، زمینه اثرپذیری از آنها را از بین برده و میانه‌روی و اعتدالت را در همه جا حاصل قرار دهد. پنج. صداقت و شفافیت در روی کی سک، کم است و در صورتی که در دولت شما عملاً و به‌نحو سیستماتیک رایج می‌یابد، می‌تواند به تزویم بخش مهمی از سرمایه اجتماعی در ایران که دچار آسیب‌های جدی شده، کمک کند. برخی به غلط تصور می‌کنند بخشی از وجوه شفافیت با امنیت ملی در تعارض است. این درحالی است که به‌جز اسرار امنیتی کشور که عفاً باید پنهان باشد، نمی‌توان به بهانه حفظ امنیت، شفافیت را دائماً و به‌نحو سلیقه‌ای کاهش داد.

شش. استفاده از نظام علمی برای مدیریت کشور تنها به شعار با رفتارهای تزئینی و تشریفاتی نیست، به اقدام واقعی و موثر است و لازمه اقدام در این زمینه، هم افزایش استادن نخبه و عناصر با سابقه دولت از طیف‌های سیاسی متنوع، برای اعاده‌پردازی در این عرصه حیاتی است.

هفت. دولت نمی‌تواند فاقد ایده واقع‌بینانه‌ای برای حکمرانی باشد و به روش «هرچه پیش آید، خوش آید» جلو برود. ایده حکمرانی تعریف و مختصات خاص خود را دارد و امری کلی و خیال‌پردازانه نیست و مانند چتر روی تمامی رفتارهای ریز و درشت دولت باز می‌شود.

هشت. دولت جدید هر فرمولی که در اقتصاد داشته باشد در نهایت توقع می‌رود زندگی اقتصادی در ایران را از یک سو به عدالت نزدیک‌تر و از سوی دیگر، محاسبه پذیر و قابل‌پیش‌بینی کند. ارائه گزارش‌های دقیق و سریع از تصمیمات دولت، به تشریح پیامدهای عملی آن به مردم همراه با اطلاعات روشن، نه فقط به کاهش ویژه‌خواری‌های انجام‌د، بلکه امکان پیش‌بینی آینده را برای مردم فراهم می‌کند. برای این منظور ایجاد یک پایگاه خبری و تحلیلی از سوی دولت قابل بررسی است.

نه. بیشتر مردم ایران نشان داده‌اند که تمایل شدیدی به بهره‌گیری روزآمد از دستاوردهای جهانی خصوصاً در عرصه فناوری و محصولات پیشرفته صنعتی دارند و نمی‌توان آنها را به بهانه تقویت صنایع داخلی تا ابد از محصولات صنایع پیشرفته جهانی در زندگی محروم کرد؛ این محرومیت‌ها حتماً یکی از انگیزه‌های گرایش به مهاجرت را به‌ویژه در میان اقشار تحصیل‌کرده شکل داده است. از این رو جا دارد صنایع دینی را در بزرگ‌ترین جهت‌های وارد شده و کمک‌های دولتی برای ارتقای آنها مشروط و زمانمند شود. یکی از مصادیق باز از این موضوع، خودروهایی داخلی است که بیش از ۳۰ سال است از طریق منع واردات خودروهای خارجی مورد حمایت قرار دارند اما هنوز به تراز مطلوب دست نیافته‌اند.

ده. الگوسازی در جهت شکل‌گیری شرکت‌های عظیم و صددرصد غیردولتی، اعم از سهامی خاص و سهامی عام، نیازمند تمرکز همه جانبه شخص رئیس‌جمهور و کل دولت با همراهی حداکثری اتاق‌های صنفی است. اگر در این زمینه به‌درستی الگوسازی شود و مجلس نیز کاستی‌ها و ضعف‌های

قانونی را با لویاج دوفوریتی برطرف کند، تدریجاً مسیر برای خصوصی‌سازی بخشی از اقتصاد کشور مطابق قانون اساسی مهیا می‌شود.

یازده. تهیه طرح جامع آبادسازی روستاهای مستعد برای برگشت مهاجران از شهرها به روستاهای البته با رعایت قوانین محیط‌زیستی، یکی از راه‌های کاهش فشارهای ناشین‌ها و مشکلات ناشی از آن در کشور است. از سوی دیگر آبادسازی روستاهای از طریق پیشرفته کردن صنایع کشاورزی، باغداری و دام‌داری به رونق تولید، افزایش درآمد روستاییان، تولید شغل برای جوانان روستایی و بی‌نیاز شدن روستاهای از کمک‌های مستمر دولتی می‌شود. برای این منظور ایجاد یک معاونت قوی رئیس‌جمهور در توسعه روستاها، قابل بررسی است.

دوازده. امروز مسأله محیط‌زیست یک مسأله فحوق حیاتی برای کشور ما و سایر کشورهاست. از این رو جا دارد دولت شما نه‌تنها با سازمان محیط‌زیست رفتار تشریفاتی نداشته باشد و قوی‌ترین افراد خود را برای ارائه آن بگمارد، بلکه نقشه‌راه روشن و سرمایه مناسبی را برای برون رفت از چالش‌های زیست‌محیطی در ایران در نظر بگیرد.

سیزده. در عرصه فرهنگ، هیچ چیز موثرتر از اصلاح نظام آموزش و پرورش بیمار براساس یک طرح واقع‌بینانه و نه خیالی، و همچنین سرمایه‌گذاری روی فرهنگ عمومی با محوریت ارزش‌های مشترک میان مردم و ادبیات اخلاق کاربردی، نیست. دولت در این زمینه مسئول است و این بهانه‌ها که سهم با اختیارات دولت در فرهنگ کم است، قابل قبول نیست.

چهارده. تازمانی که دانشگاه‌های مادر علوم انسانی عملاً آزاداندیشی برخوردار نباشند و جلوی پرونده‌سازی برای اساتید به دلیل ابراز افکار متفاوت و انتقادی گرفته نشود، نمی‌توان امید ی به رونق آنها برای پاسخگویی به نیازهای کشور داشت. از سوی دیگر، دانشگاه‌ها بدون احیای مجدد جایگاه هیات‌اناماها و عدم مداخلات غیر ضرور وزارت علوم در امور هیات‌انماها، به رشد کافی نخواهند رسید. مهم این است که دولت فرق دانشگاه با یک سازمان دولتی را درک کند و در عرصه‌هایی تعریف شده، اجازه تصمیم‌گیری اقتضایی و تعدیل دیوان‌سالاری را به هیات‌های امنای دانشگاه‌ها بدهد.

پانزده. کسی نمی‌تواند بگوید تخریب امر آمریکا و اروپا تأثیری در مشکلات اقتصادی کشور ندارد. عزادت از نظر مادی، سبب یکس در ایران مخالف خلاص شدن سیستم اقتصادی از تخریم‌ها نیست. با این حال، مهم این است که دولت برای این منظور، یک طرح جامع داشته باشد و هزینه - فایده همه اقدامات در آن طرح، به دقت محاسبه و فراتر از آن، شبیه‌سازی شده باشد. وقتی طرح دقیقی وجود داشت و کلی‌گویی‌های بی‌خاصیت کنار گذاشته شد، امکان گفت‌وگوهای ملی برای تکمیل، اصلاح و نه‌انپاا اجرای طرح با حمایت‌های حداکثری اکثریت مردم، نخبگان و احزاب مهیا می‌شود. آنچه در این زمینه نباید‌مورد غفلت قرار گیرد، نظرات مردم در نظرسنجی‌های ملی معتبر و اعتنای عملی به این نظرات است.

اعتراف کرده که این نوع باور اجباری دورنی «شما را تحمق می‌کند.» با این حال بیشتر وسیع‌تر پاسکال رامی توان به راحتی در بیشتر حوزه‌های زندگی به کاربرد؛ غیرعقلاتی بودن می‌تواند عقلاتی باشد.

مانند یک اقتصاددان فکرنگید

امر دنیوی زیربنای امر معنوی در ایجاد سازمان‌های مذهبی است. در کتاب «اقتصاد الهی»، سبیررات ادیان را به‌گونه‌ای تحلیل می‌کند که گویی شرکت هستند. بسیاری از مذاهب در طول هزاره‌ها به حاشیه‌رفتند و قادر به رقابت در بازار تقوا نیستند. در نگاهی به دین به این شکل، سبیررات به سنت قدیمی می‌پوندد که سابقه آن حداقل به زمان آدم اسبیت برمی‌گردد؛ یعنی تلاش اقتصاددانان برای درک عبادات از نظر مادی. سبیررات می‌نویسد: «دستکش مخملی افسون، شست‌آهنین سازمان رامی‌پوشاند. «او با وام گرفتن از اسمیت، به بررسی چگونگی شکل دهی انگیزه‌های بازاری به شخصیت و محتوای پیام‌های مذهبی می‌پردازد. جنبش‌های دینی جدید، اگر می‌خواهند طرفدارانی پیداکنند، باید پویا، انعطاف‌پذیر و تحمل‌کننده تنوع باشند. اسمیت در قرن هجدهم، وظافت‌مندیست پراثری و اغلب پرشور را با کنشیش‌های محتاط‌تر و باهوش کلیسایی انگلستان مقایسه کرد. گروه اول نیاز به جذب مخاطبان جدید برای به دست آوردن جایگاه برای خود داشت و بنابراین با شادت بیشتری موعظه می‌کرد اما دوری از حقوق قابل اعتماد، حمایت سیاسی و امتیازات نهادی برخوردار بود و بنابراین احساس ناچاری به تغییر رفتار خود نمی‌دید.

این امتیازات مشابه سوسیودهایی است که دولت‌ها به برخی شرکت‌های بخش خصوصی پرداخت می‌کنند؛ امری که سبب می‌شود این شرکت‌ها انگیزه کمتری برای نوآوری و ریسک داشته باشند. ادیان نیز مانند شرکت‌ها برای جلب مصرف‌کنندگان به خود رقابت می‌کنند. این امر بغضاً بدان معنی است که آنها باید آنچه را که سبب متفاوت شدن آنها می‌شود برجسته کنند؛ امری که در مواردی هم متضمن تاطیف ادعاهای ناجایی الهیاتی با هدف دستیابی به مخاطبان گسترده‌تر است. اما گاهی اوقات نیروهای می‌رحم مادی موفقیت یا شکست را تعیین می‌کنند. سبیررات معتقد است ا زبیا ترین پیام‌های تپیه‌شده اگر از منابع اقتصادی برخوردار نباشند، برای به دست آوردن گوش‌شناودر میان محمضه‌های زندگی به مشقت خواهند افتاد. «بنابراین کتابی درباره ظهور دین که به یک معنا نتیجه می‌گیرد اقتصاد عامل اصلی است، نادر و حتی فرح‌بخش است. اما همه آنچه گفته شد، همه استدلال‌های کتاب واقع‌کننده نمی‌سازد. مسیحیت

و اسلام - که عملاً المارت و ایل‌های بازار مذهبی امروزی محسوب می‌شوند- در بدو ظهور خود دارای منابع نسبتاً کمی بودند. آنها قبل از اینکه قدرتمند شوند، ناتوان بودند، ناتوانی که در مصوب‌شدن مسیح به شکل‌گیری روشن به چشم می‌خورد. سبیررات دقیقاً به این موضوع نمی‌پردازد که چرا این دو منبع به‌گونه‌ای متفاوت از سایر ادیان برای مردم جذبیت دارند. با این حال، او قانع‌کننده استدلال می‌کند که ادیان موفق می‌شوند و گسترش می‌یابند؛ زیرا «کالاهایی» را فراهم می‌کنند که انسان‌ها به آنها نیاز دارند و آنها را می‌خواهند. داده‌ها هم این گزاره را اثبات می‌کند، افراد مذهبی به‌طور متوسط شادتر از بقیه بوده، رضایت بیشتری داشته و با شهروندان دیگر ارتباط بیشتری دارند. مئلاگریس را در نظر بگیرید؛ زنی که سبیررات در غنا با او آشنا می‌شود که برای گذراندن زندگی خود در تلاش است اما هنوز بخش قابل توجهی از درآمد خود را به کشیشی می‌دهد که ظاهراً بسیار ثروتمند است. به گفته سبیررات، او این کار را تنها در چهار روز چیزی به دست می‌آورد. او براساس نوعی علاقه شخصی عاطفی عمل می‌کند. برخی از فرواید تقوا محسوس هستند، گریس به‌عنوان عضوی از کلیسای افراد همفکر، می‌تواند با افرادی ملاقات کند که از نظم و انضباط کافی برخوردار هستند تا در ساعت ۹ صبح کنجشبه از خواب بیدار شوند. آنها همچنین باید سه ساعت از وقت خود را برای گوش دادن به یک خطبه طولانی صرف کنند. بدیهی است که

شازنده. مادامی که منافع ملی در روابط بین‌الملل با جزئیات، نه با شعارهای کلی مشخص نشود، روابط ایران با هر منطقه و هر کشوری، محل ایراد قرار می‌گیرد. به‌جای تقسیم‌بندی روابط اقتصادی ایران به دو قسم غرب و شرق، جا دارد ملاک تقسیم‌بندی منافع ملی باشد. البته می‌دانید که بخشی از منافع ملی دائماً متغیر است و این تغییر باید در یک پروسه منطقی شکل گرفته و مورد پسند اکثریت مردم باشد. در اینجا توجه به یک مسأله حیاتی از اهمیت فراوانی برخوردار است و آن توجه به کوچک شدن تر جهان و تبدیل شدن کشورها به سرزنشینان یک کشتی با سرنوشتی نسبتاً مشترک است. درک عمیق این واقعیت، حتماً روبریکر دولت به روابط بین‌الملل را دگرگون خواهد کرد.

فدیه. مواجهه با فضای مجازی مرکب از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و سایر فناوری‌ها به‌ویژه فناوری هوش مصنوعی، یک بازی و شوخی نیست و چنانچه کشور ما نتواند با سرمایه‌گذاری‌های هوشمندانه از فرصت‌های آن کمال استفاده را ببرد و از تهدیدهای آن دور شود، دچار یک عقب‌ماندگی عمده از جهان خواهد شد.

هجده. رعایت آزادی‌ها و حقوق فردی به علاوه رعایت حقوق اجتماعی مردم، کاری بس دشوار و در عین حال ضروری است. در موضوعاتی مانند حجاب، رفتارهای پلیسی در خیابان‌ها به هر قیمتی باید کنار گذاشته شود. بستن باب بگیر و ببند در قضیه حجاب، موضوعی است که اخیراً آیت‌الله جوادی‌آملی هم به آن اشاره داشتند. این بگیر و ببند‌ها به اندازه کافی به کشور و به اسلام لطمه زده است. دختران و زنان عزیز ایرانی را جز به روش فرهنگی نمی‌توان به حجاب متمایل ساخت.

نوزده. چیزی که تاکنون به‌عنوان مقدمه پیشرفت هر جامعه‌ای کمتر در کشور ما مورد عنایت قرار گرفته است، ارتقای مستمر انضباط اجتماعی و قانون‌گرایی با مشوق‌های فراوان و متنوع و تنبیهات موثر است. کشور در این زمینه با عقب‌ماندگی‌های جدی روبه‌رو است و خیلی از مسائل و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی، از همینجا منشا می‌یابد. برای این منظور، از دولت به تنهایی کاری بر نخواهد آمد و لازم است مجامع و تشکل‌های مردمی نیز تمام‌قد وارد این عرصه شوند. بدون اغراق، نظم‌گرایی در ایران، به تنهایی بیش از ۴۰ درصد از آسیب‌های اجتماعی را رفع خواهد کرد.

بیست. مراقبت دائم از عملکرد وزارت اطلاعات با هدف قانون‌گرایی در آن وزارتخانه، ایجاد بخشی کاملاً مستقل در آن وزارتخانه برای رسیدگی عادلانه به شکایات مردمی از کارکنان آن وزارتخانه و سپس برخورد سریع و قاطع با عناصر قانون‌شکن و سوءاستفاده‌گر دروزارت اطلاعات، باید جزء اولویت‌های دولت باشد. در دستگاه‌هایی اعم از وزارت اطلاعات و سایر دستگاه‌های اطلاعاتی، که بنا به منطق امنیت عمومی و ملی، عرصه پنهان‌تعریف شده است، قانون‌گرایی و نظارت بر آن، باید فوق سایر دستگاه‌ها باشد.

بیست‌ونهم. نهادسازی و تقویت نهادها و سازمان‌های مردم‌سالاری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل دادن به پویش‌های اجتماعی، نیازمند توجه ویژه است. نهادها و سازمان‌ها می‌توانند با ایجاد ظرفیت و توانمندی برای حل مشکلات، به بهبود شرایط زندگی در یک جامعه کمک کنند. نهادسازی و تقویت نهادها و سازمان‌های مردم‌سالاری، نیازمند توجه ویژه است. نهادها و سازمان‌ها می‌توانند با ایجاد ظرفیت و توانمندی برای حل مشکلات، به بهبود شرایط زندگی در یک جامعه کمک کنند.

بیست‌دهم. تقویت نهادها و سازمان‌های مردم‌سالاری، نیازمند توجه ویژه است. نهادها و سازمان‌ها می‌توانند با ایجاد ظرفیت و توانمندی برای حل مشکلات، به بهبود شرایط زندگی در یک جامعه کمک کنند.

بیست‌یازدهم. تقویت نهادها و سازمان‌های مردم‌سالاری، نیازمند توجه ویژه است. نهادها و سازمان‌ها می‌توانند با ایجاد ظرفیت و توانمندی برای حل مشکلات، به بهبود شرایط زندگی در یک جامعه کمک کنند.

بیست‌دوم. تقویت نهادها و سازمان‌های مردم‌سالاری، نیازمند توجه ویژه است. نهادها و سازمان‌ها می‌توانند با ایجاد ظرفیت و توانمندی برای حل مشکلات، به بهبود شرایط زندگی در یک جامعه کمک کنند.

پارادوکس سکولاریزاسیون

در دنیای واقعی، آثار از دست دادن چهارچوب حمایتی که دین فراهم می‌کند به اندازه کافی روشن است. افزایش مرگ‌های موسوم به «ناشی از ناامیدی» در ایالات متحده بیشتر در مناطقی رخ داده است که بیشترین کاهش را نه در باورهای مذهبی، بلکه در مشارکت‌های مذهبی تجربه کرده‌اند. به عبارت دیگر، اکثر آمریکایی‌ها هنوز معتقد هستند اما توانایی خود را برای بیان این باور به‌گونه‌ای که آنها را به جامعه گسترده‌تری پیوند دهد، از دست داده‌اند. بنابراین آنها به‌طور فزاینده‌ای آن را به جای دیگری می‌هدایت می‌کنند؛ به سمت سیاست‌های حزبی. این نکته معروف است که مسیحیان سفیدپوست به تعداد بسیار زیادی ازدوئالد ترامپ حمایت می‌کنند اما آنچه کمتر گفته شده این است که مسیحیان «بدون کلیسا» هم وفاداری خاصی به او نشان داده‌اند. همان‌طور که نیویورک تایمز در ژانویه گزارش داد، عضویت کلیسا در شهر کلهمون ایالت آیووا تقریباً از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ تقریباً یک سوم کاهش یافته است؛ با این حال اکثریت قریب به اتفاق ساکنان آن همچنان خود را مسیحی معرفی می‌کنند. ترامپ بیش از ۷۰ درصد آرا را در این شهر کسب کرده است.

شاید بتوان این وضعیت را پارادوکس سکولاریزاسیون نامید؛ نه حتی اگر برای افراد منفرد دقیقاً به این موضوع نمی‌پردازد که چرا این دو منبع به‌گونه‌ای متفاوت